

The role of Religious Attitude in Attitude towards Infidelity: The Mediating Role of Subjective Well-being

Aniseh Khosravi¹, Ahmad Heydarnia^{2*}, Morteza Nazifi³

1. MA. in family counseling, University of Bojnord, Bojnord, Iran

2. Department of Educational Sciences and Counseling, University of Bojnord, Bojnord, Iran

3. Department of Psychology, University of Bojnord, Bojnord, Iran

Abstract

Infidelity is among deficits that may put families at risk of collapse. The aim of this study was to investigate the effect of religious attitude on attitudes towards infidelity with the mediation of subjective well-being (SWB). Therefore 400 married women in Bojnord were selected using available/convenience sampling and were asked to respond to Religious Attitudes Questionnaire by Khodayari Fard, Attitudes toward Infidelity Scale by Whatley, and, Satisfaction with Life Scale by Diener, and Positive & Negative Affect Scale (PANAS). Data were analyzed using structural equation modeling method (SEM). The results showed a significant negative effect of religious attitudes on attitudes toward infidelity and also a significant negative effect of subjective well-being on attitudes towards infidelity. Additionally, subject well-being mediated the effect of religious attitudes on attitudes toward infidelity. In other words, religious attitudes can reduce attitudes toward infidelity by influencing subjective well-being.

Keywords: religious attitudes, subjective well-being, attitudes toward infidelity, married women.

نقش نگرش مذهبی در نگرش به خیانت زناشویی با میانجی‌گری بهزیستی ذهنی در زنان متأهل

انیسه خسروی^۱، احمد حیدرنیا^{۲*}، مرتضی نظیفی^۳

۱. کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران

khosravi.anis@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم تربیتی و مشاوره دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران

heydarnia_55@yahoo.com

۳. استادیار گروه روانشناسی دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران

mnazifee@gmail.com

چکیده

خیانت زناشویی یکی از آسیب‌هایی است که خانواده‌ها را در معرض فروپاشی قرار می‌دهد. هدف این پژوهش بررسی تأثیر نگرش مذهبی بر نگرش به خیانت زناشویی با میانجی‌گری بهزیستی ذهنی بود. لذا ۴۰۰ نفر از زنان متأهل شهرستان بجنورد با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های نگرش مذهبی خدایاری فرد، پرسشنامه نگرش به خیانت زناشویی واتلی، و برای سنجش بهزیستی ذهنی، به پرسشنامه رضایت از زندگی داینر و همکاران و مقیاس عاطفه مثبت و منفی (PANAS) پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری تحلیل شد. نتایج نشان داد که تأثیر نگرش مذهبی بر نگرش به خیانت زناشویی منفی معنادار و تأثیر بهزیستی ذهنی بر نگرش به خیانت زناشویی منفی معنادار بود. هم‌چنین بهزیستی ذهنی میانجی تأثیر نگرش مذهبی بر نگرش به خیانت زناشویی بود، به عبارتی نگرش مذهبی با اثرگذاری بر بهزیستی ذهنی می‌تواند نگرش به خیانت زناشویی را کاهش دهد.

واژه‌های کلیدی: نگرش مذهبی، بهزیستی ذهنی، نگرش به خیانت زناشویی، زنان متأهل.

مقدمه

خانواده یکی از مهم‌ترین سیستم‌های اجتماعی است که با ازدواج دو جنس مخالف شکل می‌گیرد و تداوم آن از اهمیت بسیاری برخوردار است. خانواده به‌عنوان واحد اجتماعی، هم بستری برای شکوفایی و هم بستری برای فروپاشی روابط بین اعضا است (مؤمنی جاوید و شعاع کاظمی، ۱۳۹۰). یکی از آسیب‌هایی که خانواده‌ها را در معرض فروپاشی قرار می‌دهد، پدیده خیانت زناشویی است (آماتو و راجرز، ۱۹۹۷).

خیانت زناشویی^۱ از موضوعاتی است که زوج‌درمانگران، مرتب در کلینیک‌هایشان با آن مواجه می‌شوند (شاکلفورد، بیسر و گوتز، ۲۰۰۸) و یکی از دشوارترین درمان‌ها (گوردن، باکوم و اسنایدر، ۲۰۰۵) و دومین مشکل مخرب برای رابطه زناشویی است (ویشمن، دیکسون و جانسون، ۱۹۹۷). بین خیانت و طلاق رابطه معناداری وجود دارد؛ چنانکه برخی پژوهش‌ها، خیانت زناشویی را علت طلاق ذکر کردند (آماتو و پریوتی، ۲۰۰۳). برخی نیز در نظرسنجی از افراد مطلقه به این نتیجه رسیدند که خیانت جنسی دلیلی برای طلاق آنها بوده است (آلن و آتکینز، ۲۰۱۲). خیانت زناشویی، به هر گونه‌ای از رابطه جنسی یا عاطفی اطلاق می‌شود که فراتر از چارچوب رابطه متعهدانه بین دو همسر باشد (ینی‌کری و کودمیر، ۲۰۰۶). تعیین نرخ شیوع خیانت زناشویی در ایران ممکن نیست؛ زیرا هیچ آمار رسمی درباره میزان خیانت زناشویی گزارش نمی‌شود؛ چون این مسئله جزو تابوهای اجتماعی محسوب می‌شود؛ اما برخی پژوهش‌ها در آمریکا نشان دادند تقریباً ۲۲ تا ۲۵ درصد از مردان و ۱۱ تا ۱۵ درصد از زنان، درگیر روابط فرازناشویی شده‌اند (آلن و همکاران، ۲۰۰۵). بر طبق پژوهش بوخوت، هندریک و هندریک (۲۰۰۳) نیز

۵۹٪ از مردان دانشگاه و ۴۴٪ از زنان دانشگاه دست‌کم یک‌بار خیانت عاطفی و جنسی را گزارش دادند. عوامل مرتبط با خیانت زناشویی در سه حیطه تفاوت‌های فردی (مانند ویژگی‌های شخصیتی و نگرش‌ها)، ماهیت رابطه (مانند رضایت از رابطه و سطح تعهد) و شرایط محیطی (مانند جذابیت شخص سوم یا فرصت خیانت) قرار می‌گیرد (تریز و گیسن، ۲۰۰۰). در این پژوهش، قصد بر این است که رابطه دو عامل از عواملی که در حیطه تفاوت‌های فردی قرار می‌گیرند با نگرش به خیانت زناشویی بررسی شود.

نگرش مجموعه‌ای نسبتاً پایدار از باورها، احساسات و گرایش‌های رفتاری نسبت به اشخاص، گروه‌ها، حوادث یا نهادهای اجتماعی است (هوگ و واگن، ۲۰۰۵)؛ به نقل از یوساگ، (۲۰۱۶). در واقع نگرش، موقعیتی است که فرد به سوی اشخاص یا چیزهای خاصی می‌رود (یوساگ، ۲۰۱۶)؛ بنابراین نگرش به خیانت زناشویی را می‌توان مجموعه‌ای نسبتاً پایدار از باورها، احساسات و گرایش‌های رفتاری نسبت به برقراری رابطه فیزیکی یا عاطفی یا ترکیبی از این دو با شخصی خارج از رابطه زناشویی تعریف کرد. به عبارتی دیگر، فرد ارزیابی مطلوبی از خیانت زناشویی دارد و بنابراین، افرادی که نگرش مثبتی به خیانت زناشویی دارند، این موضوع را مطلوب تلقی می‌کنند و بیشتر به خیانت زناشویی تمایل دارند؛ در نتیجه، بیشتر احتمال دارد درگیر روابط فرازناشویی شوند (واتلی، ۲۰۰۸).

نگرش مذهبی^۲ نگرش نظامداری از باورها و اعمال نسبت به امور مقدس است. نگرش به امور ماورایی است که دستیابی و تقویت آن، ثبات، استمرار و پایداری فرد در جامعه را موجب می‌شود (یاوری، ۱۳۸۵)؛ نقل از کرمانی مامازندی و دانش، (۱۳۹۰).

² Religious attitude

¹ infidelity

بحران‌های زندگی، همسران را از خیانت حفظ کند و بدین‌گونه مذهب می‌تواند روابط خارج از ازدواج را کاهش دهد. بشرپور (۱۳۹۴) نیز بیان می‌دارد جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی، عاملی حفاظتی در برابر خیانت زناشویی است.

آلن و همکاران (۲۰۰۵) چارچوبی برای مطالعه خیانت پیشنهاد کردند که شامل سه حوزه فردی، رابطه‌ای و موقعیتی است. مذهب ممکن است در هر کدام از این حوزه‌ها قرار گیرد و با خیانت رابطه داشته باشد. در سطح فردی، تعالیم دینی بر اهمیت ازدواج، وفاداری و ممنوعیت روابط فرازناشویی تأکید می‌کند (آتکینز و کسل، ۲۰۰۸). در سطح رابطه‌ای، ماهونی، پارگامنت، تاراکشور و اسوانک (۲۰۰۸) پژوهشی انجام دادند که چگونه زوج‌های مذهبی با داشتن دیدگاه معنوی به روابطشان و نزدیکی به خدا ازدواجشان را مقدس می‌دانند؛ بنابراین زوج‌هایی که باورهای مذهبی و فعالیت‌های معنوی مشابهی را به اشتراک می‌گذارند، روابط زناشویی خود را بهبود می‌بخشند؛ بنابراین، هر سه سطح فردی (برای مثال، تعالیم دینی و سازگاری شناختی با مشاهده خود به‌عنوان فرد مذهبی)، رابطه‌ای (برای مثال، تقدس ازدواج و اشتراک‌گذاری فعالیت‌ها و باورها بین همسران) و موقعیتی (برای مثال، اشتراک‌گذاری ارزش‌های جامعه و رابطه) ممکن است روی احتمال درگیری افراد در خیانت تأثیر بگذارند (آتکینز و کسل، ۲۰۰۸).

با توجه به یافته‌ها و اظهارات بیان‌شده، انتظار می‌رود بین نگرش به خیانت زناشویی و نگرش مذهبی رابطه معناداری وجود داشته باشد؛ اما آیا رابطه بین نگرش مذهبی و نگرش به خیانت زناشویی، رابطه‌ای ساده است یا متغیرهای دیگری در این رابطه ممکن است نقش میانجی داشته باشند؟

نگرش مذهبی در زندگی زناشویی به اهمیت ازدواج به‌عنوان رابطه‌ای مقدس و نهادی تأکید می‌کند که از سوی خداوند بنا نهاده شده است (دولاهیت، هاوکینز و پار، ۲۰۱۲).

مفهوم تقدس ازدواج به ایفای بهتر نقش‌های زناشویی (ماهونی، پارگامنت، جوئل، اسوانک و اسکوت، ۱۹۹۹)، همچنین تعهد مادام‌العمر به رابطه زناشویی (لامبرت و دولاهیت، ۲۰۰۸)، افزایش وفاداری زناشویی (دولاهیت و لامبرت، ۲۰۰۷) و توانایی حل تعارض زناشویی (لامبرت و دولاهیت، ۲۰۰۶) به‌طور مثبت مربوط است. در پژوهشی ماهونی و همکارانش (۱۹۹۹) دریافتند در بین زوج‌هایی که ازدواج را امری مقدس می‌شمارند، انجام فعالیت‌های مشترک مذهبی باعث عملکرد بهتر زناشویی می‌شود. پژوهشی دیگر نیز حاکی از آن است که پایبندی به ارزش‌های مذهبی، یکی از عوامل تأثیرگذار بر رضایت زناشویی است (روحانی و معنوی پور، ۱۳۸۷؛ نیکوی و سیف، ۱۳۸۴). گل محمدیان (۱۳۹۵) نیز در پژوهشی بیان کرد تقویت هوش معنوی و اخلاقی در روند بهبود روابط زناشویی رضایت‌مندانه تأثیرگذار باشد. اهمیت دادن به مذهب و معنویت در خانواده سبب می‌شود خانواده از بسیاری از آسیب‌های اجتماعی از جمله طلاق و خیانت زناشویی در امان بماند (ابراهیمی، صیدی و رحیمی، ۱۳۹۶).

برخی پژوهش‌ها نیز رابطه بین دین و خیانت را مطرح کرده‌اند. براساس پژوهش آتکینز و کسل (۲۰۰۸)، تعالیم دینی روی اهمیت ازدواج، وفاداری و ممنوعیت روابط فرازناشویی تأکید می‌کند. در پژوهشی توتل و دیویس (۲۰۱۵) دریافتند دینداری احتمال خیانت زناشویی را در بین زوجین کاهش می‌دهد. همچنین آتکینز، باکوم و جاکوبسن (۲۰۰۱) بیان کردند در ازدواج‌های شاد، ارزش‌های مذهبی می‌توانند رابطه اصلی را تقویت کنند. به عبارتی، مذهب می‌تواند در

۱۳۹۳). امیدواربودن و توکل کردن به خداوند و احساس تعلق داشتن به نیروی برتر سبب می‌شود افراد در مواجهه با رویدادهای آسیب‌رسان و شرایط مشکل‌زا فشار کمتری را تحمل کنند (یانگ و مائو، ۲۰۰۷).

پژوهش‌های فراوانی رابطه بین شادکامی، بهزیستی ذهنی، رضایت از زندگی و دین و مذهب را بررسی کرده‌اند؛ به طوری که برخی از پژوهش‌ها نشان دادند افراد دیندار از شادکامی و بهزیستی ذهنی بالاتری برخوردارند (مایرز، ۲۰۰۰؛ عقیلی و ونکاتشکومار، ۲۰۰۸؛ تای، لی، مایرز و داینر، ۲۰۱۴). پژوهش‌های اخیر نشان دادند دینداربودن پیش‌بینی‌کننده مثبت برای رضایت از زندگی است؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت دینداربودن به طور معناداری با بهزیستی ذهنی مرتبط است (گال و داوود، ۲۰۱۳). کیم، سیدلیتز، رو، اوینگر و دابرتین (۲۰۰۴) نشان دادند دینداری با عواطف مثبت رابطه مثبت دارد. در کشور ما نیز یافته‌های مشابهی گزارش شده‌اند. سرگلزایی، بهدانی، وثوق و قربانی (۱۳۸۱) بیان کردند انجام فعالیت‌های مذهبی، کاهش اضطراب و افسردگی را در پی دارد. صحرایان، غلامی و امیدوار (۱۳۹۰) نیز به رابطه بین شادکامی و نگرش مذهبی اشاره کردند. براساس پژوهش‌های انجام‌شده، که در بالا ذکر شد، انتظار می‌رود بین نگرش مذهبی و بهزیستی ذهنی رابطه معناداری وجود داشته باشد.

همچنین هنگامی که زوجین بتوانند عواطف مثبت و منفی خود را به طور صحیح بیان کنند، از کیفیت زناشویی بالاتری برخوردار خواهند بود (شاه‌سیاه، بهرامی، محبی و تبرایی، ۱۳۹۰). افرادی که از بهزیستی ذهنی بالایی برخوردارند، عواطف مثبتی را ابراز می‌کنند و از وقایع برداشت مثبتی دارند و برعکس افرادی که از بهزیستی ذهنی پایین‌تری برخوردارند، وقایع را منفی تلقی می‌کنند و عواطف منفی از قبیل اضطراب، افسردگی و پرخاشگری را نشان می‌دهند که

امروزه با ظهور روانشناسی سلامت و روانشناسی مثبت، مسیر درمان اختلال‌ها از چهارچوب پزشکی خارج شده است و باید بیشتر به دنبال تغییر کیفیت زندگی افراد، ارتقای سلامت، ایجاد رضایت از زندگی و شادکامی بود (سلیگمن و سکیزنت میهالی، ۲۰۰۰). بهزیستی ذهنی^۱ اصطلاحی است که سطح سلامت افراد را براساس ارزیابی‌های ذهنی از زندگی توصیف می‌کند (داینر و ریان، ۲۰۰۹). مؤلفه‌های بهزیستی ذهنی عبارت‌اند از: رضایت از زندگی (رضایت از حوزه‌های خاص زندگی)، وجود عاطفه مثبت (خلق و خوی و احساسات خوشایند) و فقدان نسبی عاطفه منفی (خلق و خوی و احساسات ناخوشایند) (داینر، ۲۰۰۰). بهزیستی ذهنی شامل طیف گسترده‌ای از پدیده‌ها از جمله پاسخ‌های عاطفی افراد، دامنه رضایتمندی‌ها و قضاوت کلی از زندگی است (داینر، ساه، لوکاس و اسمیت، ۱۹۹۹). داینر و ریان (۲۰۰۹) اظهار داشتند بین بهزیستی ذهنی و بهزیستی روانشناختی تفاوت وجود دارد. بهزیستی ذهنی روی شادکامی و داشتن زندگی دلپذیر تمرکز می‌کند و قضاوت کلی از زندگی را شامل می‌شود؛ اما بهزیستی روانشناختی به چگونگی مواجهه افراد با چالش‌های زندگی مانند پیگیری اهداف، رشد شخصی و ایجاد ارتباطات با کیفیت با سایرین اشاره دارد.

مذهب یکی از عوامل تأثیرگذار بر بهداشت روانی افراد است (آلترمن و همکاران، ۲۰۱۰). کوئینگ (۲۰۰۴) بیان می‌کند مذهب روی کیفیت زندگی افراد تأثیر می‌گذارد و سلامت ذهنی و بهزیستی آنها را افزایش می‌دهد. نگرش‌ها و اعمال مذهبی، زندگی افراد را معنادار می‌کنند و برخی اعمال از جمله عبادت خداوند و توکل به خدا در شرایط بحرانی، سبب آرامش درونی و امیدواری در افراد می‌شود (علی‌اکبری، دهکردی، محتشمی، پیمان‌فر برجعلی،

^۱ subjective well-being

کاهش می‌یابد. بهزیستی ذهنی سبب می‌شود زوجین هیجانات مثبت بیشتری نشان دهند که تأثیر بسزایی در روابط زناشویی دارد (سپهریان آذر، محمدی، بداپور و نوروززاده، ۱۳۹۵) و برعکس عواطف منفی سبب می‌شوند افراد به سوی روابط فرازناشویی روی آورند (مؤمنی، کرمی و حویزی زادگان، ۱۳۹۶). با توجه به اینکه رابطه بین نبود رضایتمندی و روابط فرازناشویی در زنان نسبت به مردان قوی‌تر است، ممکن است افرادی که از رضایتمندی کمتری در روابط برخوردارند، به احتمال بیشتری به روابط فرازناشویی روی می‌آورند (تریز و گیسن، ۲۰۰۰).

با توجه به مطالب بالا، آیا افرادی که از نگرش مذهبی بالاتری برخوردار باشند، به تبع آن از بهزیستی ذهنی بالاتری برخوردار خواهند بود و آیا بهزیستی ذهنی بالاتر می‌تواند به منزله عاملی تأثیرگذار سبب تغییر در نگرش افراد به خیانت زناشویی شود.

در این پژوهش، تلاش می‌شود یکی از مهم‌ترین مشکلات زناشویی بررسی شود. خیانت زناشویی رابطه عاطفی یا جنسی خارج از رابطه زناشویی است (هرتلین، ری، وچلر و کیلمر، ۲۰۰۳). باید در نظر داشت خیانت زناشویی نه تنها در میان زوجین مشکل‌دار، ممکن است در میان همسرانی نیز رخ می‌دهد که روابط خوب و سالمی دارند و از زندگی مشترکشان راضی هستند. منتهی همسران مشکل‌دار و ناموفق آسیب‌پذیری بیشتری در این زمینه دارند (کاوه، ۱۳۸۷). پژوهشگران دریافته‌اند در انواع خیانت زناشویی (عاطفی و جنسی) و عکس‌العمل به آن، در میان مردان و زنان تفاوت وجود دارد (برند، مارکی، میلز و هوگز، ۲۰۰۷؛ آتکینز، باکوم و جاکوبسن، ۲۰۰۱). مردان در مقایسه با زنان بیشتر مرتکب خیانت جنسی می‌شوند؛ درحالی‌که زنان بیشتر بدین دلیل مرتکب خیانت می‌شوند که نیازهایی

همگی این تجارب با سازگاری زناشویی در ارتباط است (الهبخشی و قمری، ۱۳۹۶). در این راستا پژوهش‌های دیگری نیز به تأثیر آسیب‌های روانی بر رابطه زناشویی اشاره کرده‌اند؛ آسیب‌هایی از قبیل افسردگی و اضطراب. افرادی که دچار افسردگی‌اند، دیدگاه منفی نسبت به دنیای پیرامون خود دارند و دیدگاه افراد مضطرب حول محور انتظار شکست و خسران می‌چرخد. افراد می‌توانند این دیدگاه‌ها را نسبت به همسر و رابطه زناشویی نیز داشته باشند که همگی این آسیب‌ها سبب کاهش رضایتمندی زناشویی می‌شوند (شاهی، غفاری و قاسمی، ۱۳۹۰). شماری از پژوهش‌ها به رابطه بین مشکلات روانی و خیانت زناشویی اشاره کرده‌اند؛ برای مثال، خیانت زناشویی می‌تواند بخشی از تلاش فرد برای مبارزه با عزت نفس پایین به همراه افسردگی باشد (باس، ۱۹۹۱). در پژوهشی دیگر نیز بیچ، جورایلز و الیری (۱۹۸۵) دریافته‌اند همسرانی که درگیر روابط فرازناشویی بودند، از میزان افسردگی بالاتری برخوردار بودند.

داشتن رابطه منفی با همسر به همراه نشان‌دادن عواطف منفی سبب پایین آمدن رضایتمندی زناشویی می‌شود؛ برای مثال، گوش‌ندادن فعال و خشم نسبت به همسر می‌تواند رضایتمندی زناشویی را کاهش دهند؛ اما بیان احساسات مثبت، شادی، گوش‌دادن فعال، داشتن رابطه مطلوب با همسر، رضایتمندی زناشویی را افزایش می‌دهند (شاه سیاه، بهرامی، محبی و تبرایی، ۱۳۹۰). دایتون (۲۰۰۰) معتقد است نشان‌دادن عواطف منفی از جمله ترس، احساس حقارت، کینه، خشم و عصبانیت سبب ایجاد سبک دلبستگی ناایمن و کاهش رضایت زناشویی در زندگی زوجین می‌شود. از طرفی هوستون، کوکلین، هوتس، اسمیت و جورج (۲۰۰۱) بیان کردند زنان و مردانی که عواطف منفی نسبت یکدیگر نشان می‌دهند، در طول زمان دچار نارضایتی زناشویی می‌شوند و کیفیت زندگی زناشویی آنها

¹ Brand, Markey, Mills & Hodges

² Atkins

³ Jacobson

می‌تواند به‌عنوان میانجی، سبب کاهش نگرش مثبت افراد به خیانت زناشویی شود.

روش

طرح پژوهش، جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری: پژوهش حاضر، توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه این پژوهش، تمامی زنان متأهل شهرستان بجنورد در سال ۱۳۹۶ بودند. حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان حدود ۴۰۰ نفر و با روش نمونه‌گیری دردسترس انتخاب شدند. ۴۳۰ پرسشنامه توزیع شد که در نهایت از بین پرسشنامه‌های جمع‌آوری‌شده ۴۰۰ پرسشنامه تجزیه و تحلیل شدند. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بودند از: دارا بودن سن بین ۱۸ تا ۵۰ سال، مؤنث بودن، متأهل بودن، داشتن مدرک دست کم سیکل و مدت زمان زندگی مشترک بیشتر از یک سال. ابزارهای سنجش: برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های زیر استفاده شد: مقیاس عاطفه مثبت و منفی (PANAS)، مقیاس رضایت از زندگی (SWLS). این دو مقیاس به منظور اندازه‌گیری بهزیستی ذهنی، پرسشنامه نگرش مذهبی خدایاری فرد (۱۳۷۸) نقل از کرمانی مامازندی و دانش، (۱۳۹۰)، پرسشنامه نگرش به خیانت زناشویی واتلی (۲۰۰۶) نقل از شیوه و موسوی، (۱۳۹۴).

پرسشنامه نگرش مذهبی: خدایاری فرد و همکاران در سال (۱۳۷۸)، این پرسشنامه را در دانشگاه تهران طراحی کردند و شامل ۴۰ سؤال است. در بررسی محتوایی مواد پرسشنامه، شش حیطه موضوعی مختلف نگرش مذهبی با عناوین عبادت، اخلاقیات، ارزش‌ها و اثر مذهب در زندگی و رفتار انسان، مباحث اجتماعی، جهان‌بینی و باورها و علم و دین مطرح شده است. این پرسشنامه براساس مقیاس لیکرت و به صورت پنج گزینه‌ای، تنظیم و نمره‌گذاری شده است. پایایی محاسبه‌شده این مقیاس ۰/۹۲ و اعتبار آن نیز ۰/۸۵ گزارش شده است (رازفر، ۱۳۸۰؛ به نقل از کرمانی

مانند عشق، دوستی و صمیمیت را برآورده کنند و تنها تعداد اندکی از آنها منحصرأ به خاطر مسائل جنسی وارد روابط فرازناشویی می‌شوند (مومنی جاوید و شعاع کاظمی، ۱۳۹۶). بین خیانت و طلاق رابطه معناداری وجود دارد؛ چنانکه برخی پژوهش‌ها خیانت زناشویی را علت طلاق ذکر کردند (آماتو و پریوتی، ۲۰۰۳). برخی نیز در نظرسنجی از افراد مطلقه به این نتیجه رسیدند که خیانت جنسی دلیلی برای طلاق آنها بوده است (آلن و آتکینز، ۲۰۱۲).

با توجه به مطالعات پیامدهای خیانت زناشویی برای فرد آگاه‌شده از خیانت همسر، طیف وسیعی از رفتارها و عواطف منفی را شامل می‌شود که عبارت‌اند از خشم نسبت به همسر، افسردگی، افکار خودکشی، اضطراب مزمن، نشانه‌هایی شبیه استرس پس از ضربه (کانو و الیری، ۲۰۰۰؛ چارنی و پارناس، ۱۹۹۵)، احساس شرمندگی، ملعبه‌شدن و دل‌کندن و مشکلاتی در تمرکز، نشخوار فکری مداوم در برابر رویدادها و مختل شدن عملکردهای روزانه (گوردن و همکاران، ۲۰۰۴). از پیامدهای دیگر می‌توان به مسائلی نظیر ضرب و شتم، قتل همسر و اقدام به خودکشی نیز اشاره کرد (شاکلفورد و باس، و یکلز شاکلفورد، ۲۰۰۳).

با توجه به اینکه خانواده اساسی‌ترین بنیان جامعه است و افراد در آن رشد و نمو پیدا می‌کنند و از طریق آن وارد جامعه می‌شوند، بدون تردید سلامت خانواده در سلامت جامعه تأثیرگذار است و با توجه به آثار و عواقبی که خیانت زناشویی بر ازدواج و خانواده دارد، مطالعاتی از این نوع ضرورت پیدا می‌کند؛ بنابراین، پژوهش حاضر به بررسی مدلی می‌پردازد که بهزیستی ذهنی میانجی رابطه بین نگرش مذهبی و نگرش به خیانت زناشویی است. تا بدین طریق مشخص شود آیا بین نگرش مذهبی و نگرش به خیانت زناشویی رابطه معناداری وجود دارد و همچنین آیا بهزیستی ذهنی که براساس مطالعات، با مذهب رابطه معناداری دارد،

وحشت‌زده، متخاصم، تحریک‌پذیر، شرمسار، عصبی، بی‌قرار و ترسان) محاسبه شد. دامنه نمرات نیز برای هر خرده‌مقیاس بین ۱۰ تا ۵۰ برآورد شده است. پایایی این پرسشنامه به شیوه آلفای کرونباخ برای مقیاس عواطف مثبت ۰/۸۸، و عواطف منفی ۰/۸۷ و به شیوه بازآزمایی برای مقیاس‌های مذکور به ترتیب ۰/۶۷ و ۰/۷۱ به دست آمده است (واتسون، کلارک و کاری، ۱۹۸۸). در پژوهش حاضر، آلفای کرونباخ برای عطفه مثبت، ۰/۷۷ و عطفه منفی، ۰/۸۰ به دست آمد.

مقیاس رضایت از زندگی^۲ (SWLS): داینر و همکاران (۱۹۸۵) به منظور اندازه‌گیری بعد شناختی بهزیستی ذهنی افراد، نسخه پنج‌ماده‌ای مقیاس رضایت از زندگی را طراحی کردند. در این مقیاس، شرکت‌کنندگان به هر ماده روی یک طیف هفت درجه‌ای لیکرتی (از ۱ کاملاً مخالف تا ۷ کاملاً موافق) پاسخ دادند. در پژوهش یوسفی، اعتمادی، بهرامی، بشلیده و شیربگی (۱۳۸۹)، پایایی این مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۶ به دست آمد. در پژوهش مظفری پایایی این آزمون با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۵ و با روش بازآزمایی ۰/۸۲ به دست آمد (مظفری، ۱۳۸۱؛ نقل از یوسفی و همکاران، ۱۳۸۹). آلفای کرونباخ پرسشنامه در این پژوهش ۰/۸۴ به دست آمد. پرسشنامه نگرش به خیانت زناشویی^۳: واتلی (۲۰۰۶) این مقیاس را تهیه کرد و دارای ۱۲ سؤال است. این سؤالات شامل «وفادار نبودن هرگز به کسی آسیب نمی‌رساند» و «وفادار نبودن به یکدیگر امری طبیعی است» می‌شدند. پاسخ‌ها در یک مقیاس هفت درجه‌ای لیکرتی از کاملاً موافقم (۷) تا کاملاً مخالفم (۱) تنظیم شده‌اند. سؤالات ۲، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۲ به صورت منفی نمره‌گذاری می‌شوند. کمینه نمره‌ای که فرد در این مقیاس به دست می‌آورد، ۱۲ و بیشینه آن ۸۴ است. واتلی ضریب آلفای کرونباخ را بین ۰/۸۷ تا ۰/۹۰

مامازندی و دانش، ۱۳۹۰). آلفای کرونباخ پرسشنامه در این پژوهش ۰/۹۵ به دست آمد.

بهزیستی ذهنی شامل ارزیابی عاطفی و شناختی افراد از زندگی‌شان است (داینر، لوکاس و اویشی، ۲۰۰۲). بدین منظور از دو مقیاس زیر استفاده شده است؛ مقیاس عاطفه مثبت و منفی (واتسون، کلارک و تلجن، ۱۹۸۸) و مقیاس رضایت از زندگی (داینر، اموس، لارسن و گریفن، ۱۹۸۵). مقیاس عاطفه مثبت و منفی شامل فهرستی از احساسات و هیجانات است که از پاسخ‌دهندگان خواسته می‌شود در طول یک دوره مشخص، احساساتشان را بیان کنند؛ احساساتی از قبیل علاقه‌مند، خوشحال، ناراحت و احساس گناه؛ اما مقیاس رضایت از زندگی، از افراد می‌خواهد مشخص کنند تا چه میزان با اظهارات، موافق یا مخالف‌اند و به‌طور کلی به‌منظور اندازه‌گیری رضایت از زندگی طراحی شده است (وان هورن، ۲۰۰۷).

مقیاس عاطفه مثبت و منفی^۱ (PANAS): این مقیاس، ابزار خودسنجی ۲۰ ماده‌ای است که واتسون، کلارک و کاری (۱۹۸۸) برای اندازه‌گیری دو بعد خلقی، یعنی عاطفه مثبت و عاطفه منفی طراحی کردند. سؤالات، هیجانات و احساسات مختلفی را توصیف می‌کنند و هر یک به درون یک مقیاس عاطفه مثبت یا عاطفه منفی گروه‌بندی می‌شوند. مشارکت‌کنندگان تمام سؤالات را روی یک مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرتی پاسخ می‌دهند. در این طیف، عدد ۱ نشان‌دهنده تجربه نکردن هیجان و عدد ۵ نشان‌دهنده تجربه بسیار زیاد هیجان است. برای هر آزمودنی، نمره کلی عاطفه مثبت از طریق جمع نمرات شرکت‌کننده در هر یک از ده صفت توصیفگر هیجانات مثبت (علاقه‌مند، خوشحال، نیرومند، مشتاق، سربلند، بانشاط، سرخوشی، مصمم، متمرکز و فعال) و نمره کلی عاطفه منفی از طریق جمع نمرات مشارکت‌کننده در هر یک از ده صفت توصیفگر هیجانات منفی (پریشان، ناراحت، گناهکار،

^۲ The Satisfaction With Life Scale

^۳ Attitudes Toward Infidelity Scale

^۱ Positive & Negative Affect Scale

تحصیلات سیکل، ۳۸/۵ درصد با تحصیلات دیپلم، ۱۱/۸ درصد با تحصیلات فوق دیپلم، ۲۹/۳ درصد با تحصیلات لیسانس، ۳/۳ درصد با تحصیلات فوق لیسانس و ۰/۳ درصد دارای تحصیلات دکترا. بیشترین مدت زمان ازدواج ۵۲/۲۵ درصد در دامنه ۱۰-۱ سال و کمترین آن ۵/۵ درصد برای ۳۱ سال به بالا. بیشترین تعداد شرکت کنندگان ۳۲/۵ درصد، دارای دو فرزند و کمترین آنها یک درصد، مربوط به شش و بالاتر از شش فرزند بود.

میانگین و انحراف معیار نگرش مذهبی، نگرش به خیانت زناشویی و بهزیستی ذهنی در جدول آورده شده‌اند. همچنین مشاهده می‌شود همبستگی متغیر نگرش به خیانت زناشویی با نگرش مذهبی و بهزیستی ذهنی به ترتیب عبارتست از ۰/۳۴۳، ۰/۲۹۲ و همبستگی بین نگرش مذهبی و بهزیستی ذهنی ۰/۳۵۸ است که در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

گزارش کرد که نشان‌دهنده همسانی درونی بالای این پرسشنامه است (شیوه و موسوی، ۱۳۹۴)، همچنین عجم (۱۳۹۳) در پژوهش خود ضریب آلفای کرونباخ را ۰/۹۱، شیوه و موسوی (۱۳۹۴) ۰/۸۶، یوسفی، کریمی‌پور و امانی (۱۳۹۶) ۰/۸۵ گزارش کردند. علی‌تبار، قنبری، زاده محمدی و حبیبی (۱۳۹۳) نیز ضریب بازآزمایی این پرسشنامه را ۰/۸۷ گزارش کردند. برای بررسی روایی و اگر از آزمون جهت‌گیری مذهبی آلپورت استفاده شد که روایی و اگر با جهت‌گیری مذهبی درونی، ۰/۲۹ و با جهت‌گیری مذهبی بیرونی، ۰/۱۶ به دست آمد (علی‌تبار و همکاران، ۱۳۹۳). آلفای کرونباخ پرسشنامه در این پژوهش ۰/۷۳ به دست آمد.

یافته‌ها

حداقل و حداکثر سن شرکت‌کنندگان به ترتیب ۱۸ و ۵۰ با میانگین ۳۲/۹۳ و انحراف معیار ۸/۳۴ سال. ۳۰/۲۵ درصد شرکت‌کننده‌ها شاغل و ۶۹/۷۵ درصد آنها خانه‌دار. ۱۷ درصد شرکت‌کننده‌ها دارای

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار نگرش مذهبی، نگرش به خیانت زناشویی و بهزیستی ذهنی و ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	نگرش مذهبی	نگرش به خیانت زناشویی
نگرش مذهبی	۴۰۰	۱۲۷/۰۳	۲۱/۲۰		
نگرش به خیانت زناشویی	۴۰۰	۲۴/۱۹	۸/۰۱	۰/۳۴۳**	
بهزیستی ذهنی	۴۰۰	۵۹/۳۷	۹/۶۰	۰/۳۵۸**	۰/۲۹۲**

P<0.01 ** P<0.05*

ضرایب به‌دست‌آمده در جدول ۲ نشان می‌دهند مدل پیشنهادشده بعد از حذف مسیر عاطفه منفی از برازش برخوردار است.

جدول ۲. شاخص‌های برازندگی مدل تأییدی

شاخص‌های برازندگی	X ²	X ² /df	GFI	AGFI	IFI	TLI	CFI	NFI	RMSEA
مدل تأییدی	۰/۳۶	۰/۳۶	۱	۱	۱/۰۰۵	۱/۰۲۹	۱	۱	۰

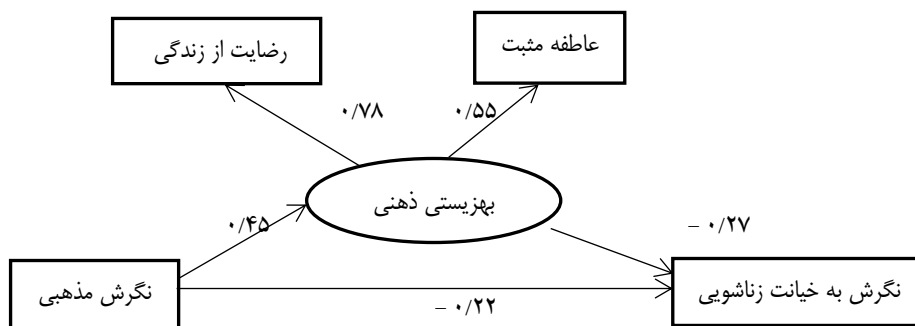
ضریب مسیر نگرش مذهبی به بهزیستی ذهنی مثبت و معنادار است ($\lambda = 0.45, P < 0.001$)؛ یعنی با افزایش نگرش مذهبی، بهزیستی ذهنی فرد نیز افزایش می‌یابد. بر اساس این، فرضیه دوم پژوهش نیز تأیید شد.

فرضیه ۳: بین بهزیستی ذهنی و نگرش به خیانت زناشویی رابطه منفی معناداری وجود دارد. با توجه به نتایج جدول ۲، ضریب مسیر بهزیستی ذهنی به نگرش به خیانت زناشویی منفی و معنادار است ($\lambda = -0.27, P < 0.001$)؛ یعنی هرچه فرد بهزیستی ذهنی بالاتری داشته باشد، نگرش به خیانت زناشویی کمتری دارد. بر اساس این، فرضیه سوم پژوهش تأیید شد.

با توجه به جدول ۲، یافته‌های مربوط به تمامی فرضیه‌های مستقیم بررسی می‌شوند:

فرضیه ۱: بین نگرش مذهبی و نگرش به خیانت زناشویی رابطه منفی معناداری وجود دارد. با توجه به نتایج جدول ۲، ضریب مسیر نگرش مذهبی به نگرش به خیانت زناشویی منفی و معنادار است ($\lambda = -0.22, P < 0.001$)؛ یعنی هرچه فرد نگرش مذهبی بالاتری داشته باشد، نگرش به خیانت پایین‌تری دارد. بر اساس این، فرضیه اول پژوهش تأیید شد.

فرضیه ۲: بین نگرش مذهبی و بهزیستی ذهنی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. با توجه به نتایج جدول ۲،



شکل ۱. مسیرها و ضرایب استاندارد در الگوی تأییدی

خیانت زناشویی از طریق بهزیستی ذهنی مساوی با صفر است. به عبارت دیگر، بهزیستی ذهنی می‌تواند نقش میانجی داشته باشد؛ یعنی بین نگرش مذهبی و نگرش به خیانت زناشویی رابطه غیرمستقیم معناداری از طریق بهزیستی ذهنی وجود دارد و نگرش مذهبی با تأثیر بر بهزیستی ذهنی توانسته است سبب کاهش نگرش مثبت افراد به خیانت زناشویی شود.

در این پژوهش به منظور تعیین معناداری رابطه میانجی از روش خودگردان‌سازی استفاده شد. مطابق با جدول ۳، برای مسیر نگرش مذهبی به نگرش به خیانت زناشویی از طریق بهزیستی ذهنی، حد پایین و بالای فاصله اطمینان مبتنی بر روش خودگردان‌سازی به ترتیب -0.316 و -0.112 بود. با توجه به اینکه صفر بیرون از این فاصله قرار می‌گیرد، فرض صفر رد می‌شود که بیان می‌کند رابطه غیرمستقیم نگرش مذهبی با نگرش به

جدول ۳. برآورد فاصله‌ای میزان رابطه غیرمستقیم نگرش مذهبی با نگرش به خیانت زناشویی با روش خودگردان‌سازی

پارامتر	ضرایب استاندارد	خطای معیار برآورد	حدبالا	حد پایین	نسبت بحرانی	سطح احتمال
نگرش مذهبی - بهزیستی ذهنی	۰/۴۵	۰/۰۱۳	-۰/۱۱۲	-۰/۳۱۶	۷/۵۴	۰/۰۰۱

بازدارندهٔ درونی، از خیانت زناشویی جلوگیری می‌کنند (بشرپور، ۱۳۹۴).

نگرش مذهبی به زندگی انسان‌ها معنا می‌بخشد و با ایجاد امید باعث آرامش روانی می‌شود (روحانی و معنوی‌پور، ۱۳۸۷). چنانکه قرآن کریم نیز می‌فرماید: همانا یاد خدا آرامبخش دل‌هاست^۱ (سوره الرعد، آیه ۲۸). از طرفی، حضور در اماکن مذهبی و ارتباط با سایر افراد، رابطهٔ معنوی فرد با خداوند و معنای زندگی که باورهای مذهبی برای فرد ایجاد می‌کنند، همگی راههایی هستند که دین از طریق آنها سبب خشنودی و شادکامی هرچه بیشتر افراد می‌شود (روحانی و معنوی‌پور، ۱۳۸۷)؛ بنابراین، افرادی که دیندارترند از خشنودی و رضایت از زندگی بیشتری برخوردارند (گال و داوود، ۲۰۱۳).

عواطف مثبت و منفی در تصمیم‌گیری و واکنش افراد تأثیر زیادی دارند. عواطف مثبت سبب گسترش آگاهی فرد می‌شوند و برعکس افراد با عواطف منفی در هنگام مواجهه با مشکلات زناشویی نمی‌توانند تمرکز کنند و توانایی حل مسئله و تصمیم‌گیری صحیح را ندارند؛ در نتیجه، به صورت ناکارآمد عمل می‌کنند و ممکن است برای رهایی از عواطف منفی به سوی روابط فرازناشویی روی آورند (مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۶). همچنین با افزایش بهزیستی ذهنی، زوجین هیجانات و عواطف مثبت بیشتری نشان می‌دهند و به مشکلات به‌عنوان پدیده‌ای مثبت می‌نگرند و به‌طور مناسب درصدد حل آنها برمی‌آیند (سپهریان آذر و همکاران، ۱۳۹۵) که همگی در رضایت از رابطهٔ زناشویی تأثیر بسزایی دارد و با توجه به اینکه رابطهٔ زناشویی موفق یکی از پیش‌بین‌های خیانت زناشویی

هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطهٔ نگرش مذهبی و نگرش به خیانت زناشویی با میانجی‌گری بهزیستی ذهنی در میان زنان متأهل شهرستان بجنورد بود. نتایج نشان دادند مدل از برازش خوبی برخوردار است و تمام مسیرهای ارائه‌شده در مدل، معنی‌دار بودند. با توجه به اینکه پژوهش‌ها نشان دادند افرادی که نگرش سهل‌گیرانه‌تری دربارهٔ خیانت زناشویی دارند، به احتمال بیشتری درگیر آن خواهند شد (تریز و گیسن، ۲۰۰۰)، شناسایی علل و عوامل تأثیرگذار بر نگرش افراد نسبت به خیانت زناشویی اهمیت بسیاری دارد. نتایج نشان دادند نگرش مذهبی به صورت مستقیم و غیرمستقیم با میانجی‌گری بهزیستی ذهنی بر نگرش به خیانت زناشویی اثر دارد. نتایج برخی پژوهش‌ها حاکی از آن است که پایبندی به ارزش‌های مذهبی، یکی از عوامل تأثیرگذار بر رضایت زناشویی است (روحانی و معنوی‌پور، ۱۳۸۷؛ نیکوی و سیف، ۱۳۸۴) که از تمایل افراد به روابط فرازناشویی نیز می‌کاهد (آتکینز و کسل، ۲۰۰۸). با توجه به تبیین نتایج به دست آمده، مذهب افراد را به بعد فرامادی و متعالی در جهان پیوند می‌دهد و با دادن معنا به زندگی، به خانواده و تعاملات درون خانواده قداست می‌بخشد و شرایط را برای حفظ و تحکیم خانواده ایجاد می‌کند (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۶). مذهب با تقدس‌بخشی به ازدواج سبب افزایش وفاداری و تعهد همسران می‌شود (دولاهیت و لامبرت، ۲۰۰۷). به عبارتی، وقتی زوجین به ازدواج به‌عنوان امری مقدس می‌نگرند، چارچوبی برای خود ترسیم می‌کنند که تمامی اعمال و رفتار و احساسات خود را در قالب آن تفسیر می‌کنند (گل محمدیان، ۱۳۹۵). همچنین با توجه به اینکه مذاهب، رفتارهای اخلاقی را تشویق می‌کنند، با تقویت خودکنترلی به‌عنوان عامل

^۱ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ

است، بهزیستی ذهنی می‌تواند بر نگرش افراد به خیانت زناشویی تأثیر بگذارد.

با توجه به آنچه ذکر شد، به نظر می‌رسد نگرش مذهبی و بهزیستی ذهنی از جمله عواملی اند که روی نگرش افراد به خیانت تأثیر گذارند. افراد دیندار از قوانینی پیروی می‌کنند که این قوانین افراد را به انجام واجبات، ترغیب و از انجام محرمات، منع می‌کند. با توجه به اینکه خیانت زناشویی نیز از جمله گناهان کبیره است و دین اسلام نیز آن را نکوهش کرده است، در نتیجه، هر چه نگرش مذهبی فرد بالاتر باشد، فرد دیدگاه منفی تری نسبت به خیانت دارد. همچنین هر چه افراد از بهزیستی ذهنی بیشتری برخوردار باشند، هیجانات مثبت بیشتری نشان می‌دهند و با واکنش مثبت همسر نیز روبه‌رو می‌شوند و به مشکلات به دید پدیده‌ای مثبت می‌نگرند و با ارتباط متقابل مناسب، آنان را حل می‌کنند؛ در نتیجه، از رضامندی بیشتری برخوردار می‌شوند. بدیهی است هر چه انتظارات و خواسته‌های افراد از ازدواج، بیشتر برآورده شود، روابط زوجین مستحکم‌تر و پایدارتر می‌شود و از بروز مشکلات و آسیب‌هایی از جمله خیانت زناشویی در امان خواهند ماند که سبب فروپاشی کانون خانواده می‌شود. در مجموع، نتایج پژوهش حاضر با ارائه یک مدل ساختاری توانست نشان دهد مذهب در بهبود بهزیستی ذهنی نقش تأثیر گذاری دارد. همچنین نقش این ابعاد را در کاهش نگرش افراد به خیانت زناشویی روشن ساخت. در این پژوهش، انتخاب افراد به روش غیر تصادفی (دردسترس) بود و بنابراین، در تعمیم نتایج به جامعه باید احتیاط بیشتری صورت گیرد. همچنین یکی دیگر از محدودیت‌های پژوهش استفاده از پرسشنامه است؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده از سایر روش‌ها مانند مصاحبه به‌منظور به دست آوردن نتایج مطلوب استفاده شود. با

توجه به کوچک‌بودن نمونه مورد پژوهش، پیشنهاد می‌شود این روش روی گروه‌های بزرگ‌تر بررسی مجدداً شود تا اعتبار آن با اطمینان بیشتری برآورد شود. پژوهش حاضر روی زنان متأهل صورت گرفت؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود برای جامعه مردان نیز بررسی شود.

منابع

- ابراهیمی، م.، صیدی، م.، س.، رحیمی، ز. (۱۳۹۶). معنویت در خانواده؛ از خیانت تا بخشودگی زناشویی. دومین کنفرانس سراسری پژوهش‌های نوین در روانشناسی و علوم اجتماعی. مرکز همایش‌های بین‌المللی جزیره کیش، ۹ خرداد.
- اله‌بخشی، ب.، قمری، م. (۱۳۹۶). رابطه بهزیستی ذهنی با میزان سازگاری زناشویی در دانشجویان متأهل. اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، آسیب‌شناسی روانی و تربیت. تهران، دانشگاه الزهراء، ۱۳ و ۱۴ اردیبهشت.
- بشرپور، س. (۱۳۹۴). جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی و استعداد خیانت زناشویی. کنگره انجمن روانشناسی معاصر، ۵، ۲۴۹-۲۵۱.
- روحانی، ع.، معنوی‌پور، د. (۱۳۸۷). رابطه عمل به باورهای دینی با شادکامی و رضایت زناشویی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه. دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، ۱۰ (۳۵-۳۶)، ۱۸۹-۲۰۶.
- سپهریان آذر، ف.؛ محمدی، ن.، بدلیپور، ز.، نوروززاده، و. (۱۳۹۵). رابطه امیدواری و شادکامی با رضایت زناشویی. سلامت و مراقبت، ۱۸ (۱)، ۳۷-۴۴.
- سرگلزایی، م.، بهدانی، ف.، وثوق، ا.، قربانی، ا. (۱۳۸۱). مطالعه همبستگی فعالیت‌های مذهبی با اضطراب، افسردگی و سوء مصرف مواد در

علی تبار، س. ه.، قنبری، س.، زاده محمدی، ع.، حبیبی، م. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین روابط جنسی پیش از ازدواج با نگرش به روابط فرازناشویی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۰ (۳۸)، ۲۵۵-۲۶۷.

کاو، س. (۱۳۸۷). *همسران و بی‌وفایی و خیانت: بررسی عوامل مؤثر و شناخت ویژگی‌ها و عوامل تشکیل‌دهنده و پیامدهای ناشی از عارضه بی‌وفایی و خیانت میان همسران*. تهران: سخن.

کرمانی مامازندی، ز.، دانش، ع. (۱۳۹۰). تاثیر نگرش مذهبی و هیجان‌خواهی بر سازگاری زناشویی دبیران متأهل شهرستان پاکدشت. *مطالعات روانشناختی*، ۷ (۲)، ۱۲۹-۱۵۴.

گل محمدیان، م. (۱۳۹۵). تأثیرات آموزش هوش اخلاقی، معنوی و فرهنگی بر عملکرد خانوادگی زنان. *فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، ۱۰ (۳۴)، ۵۱-۶۹.

مؤمنی جاوید، م.، شعاع کاظمی، م. (۱۳۹۰). تأثیر روان‌درمانی زوجینی بر کیفیت زندگی زوجین آسیب‌دیده از خیانت‌های زناشویی در تهران. *مجله تخصصی پژوهش و سلامت* ۱ (۱).

مؤمنی، خ.، کرمی، ج. و حویزی زادگان، ن. (۱۳۹۶). رابطه هیجان‌خواهی، عاطفه مثبت و منفی و ناگویی هیجانی با خیانت زناشویی. *مجله سلامت و مراقبت*، ۱۹ (۴)، ۲۲۱-۲۳۱.

نیکویی، م.، سیف، س. (۱۳۸۴). بررسی رابطه دینداری با رضایتمندی زناشویی. *پژوهش‌های مشاوره (تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره)*، ۴ (۱۳)، ۶۱-۷۹.

یوسفی، ن.، اعتمادی، ع.، بهرامی، ف.، بشلیده، ک.، شیربگی، ن. (۱۳۸۹). بررسی روابط ساختاری آسیب‌شناسی خودتمایزی در خانواده درمانی بوونی با بهزیستی ذهنی، سلامت روانی و بهداشت کیفیت

دانشجویان دانشگاه سبزوار. *فصلنامه اصول بهداشت روانی*، ۱۳ (۱۴)، ۲۴-۳۰.

شاه سیاه، م.، بهرامی، ف.، محبی، س.، تیرایی، ی. (۱۳۹۰). همبستگی بین بهزیستی ذهنی با کیفیت زندگی زناشویی زوجین. *مجله دانشگاه علوم پزشکی قم*، ۵ (۴)، ۶۱-۶۷.

شاهی، ع.، غفاری، ا.، قاسمی، خ. (۱۳۹۰). رابطه سلامت روان و رضایت‌مندی زناشویی زوجین. *مجله دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه (بهبود)*، ۱۵ (۲)، ۱۱۹-۱۲۶.

شیوه، ش.، موسوی، ع. ا. (۱۳۹۴). پیش‌بینی نگرش به خیانت بر اساس عملکرد جنسی در دانشجویان زن متأهل. *دومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی*. مشهد، دانشگاه تربت حیدریه، ۸ بهمن.

صحرائیان، ع.، غلامی، ع.، امیدوار، ب. (۱۳۹۰). رابطه نگرش مذهبی و شادکامی در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز. *افتی دانش*، ۱۷ (۱)، ۶۹-۷۴.

عجم، ع. ا. (۱۳۹۳). تبیین ارتباط بین تعارض زناشویی و نگرش به خیانت در ازدواج و نقش آن در پیشرفت تحصیلی. *اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار و مؤسسه مهر اروند*، ۲۰ آبان.

علی اکبری دهکردی، م.؛ محتشمی، ط.، پیمان‌فر، الف.؛ برجعلی، الف. (۱۳۹۳). مقایسه سطوح مختلف نگرش مذهبی بر احساس معنا، تنهایی و شادکامی در زندگی سالمندان تحت پوشش سازمان بهزیستی. *سالمند*، ۹ (۴)، ۲۹۷-۳۰۵.

- Boekhout, B. A., Hendrick, S. S., & Hendrick, C. (2003). Exploring infidelity: Developing the relationship issues scale. *Journal of Loss & Trauma, 8*(4), 283-306.
- Brand, R. J., Markey, C. M., Mills, A., & Hodges, S. D. (2007). Sex differences in self-reported infidelity and its correlates. *Sex Roles, 57*(1-2), 101-109.
- Buss, D. M. (1991). Conflict in married couples: Personality predictors of anger and upset. *Journal of personality, 59*(4), 663-688.
- Cano, A., & O'leary, K. D. (2000). Infidelity and separations precipitate major depressive episodes and symptoms of nonspecific depression and anxiety. *Journal of consulting and clinical psychology, 68*(5), 774.
- Charny, I. W., & Parnass, S. (1995). The impact of extramarital relationships on the continuation of marriages. *Journal of Sex & Marital Therapy, 21*(2), 100-115.
- Dainton, M. (2000). Maintenance behaviors, expectations for maintenance, and satisfaction: Linking comparison levels to relational maintenance strategies. *Journal of Social and Personal Relationships, 17*(6), 827-842.
- Deiner, E., Lucas, R. E., & Oishi, S. (2002). Subjective well-being: The science of happiness and life satisfaction. *Handbook of positive psychology, 63-73*.
- Diener, E. (2000). Subjective well-being: The science of happiness and a proposal for a national index. *American psychologist, 55*(1), 34.
- Diener, E. D., Emmons, R. A., Larsen, R. J., & Griffin, S. (1985). The satisfaction with life scale. *Journal of personality assessment, 49*(1), 71-75.
- Diener, E., & Ryan, K. (2009). Subjective well-being: A general overview. *South African Journal of Psychology, 39*(4), 391-406.
- Diener, E., Suh, E. M., Lucas, R. E., & Smith, H. L. (1999). Subjective well-being: Three decades of progress. *Psychological bulletin, 125*(2), 276.
- Dollahite, D. C., Hawkins, A. J., & Parr, M. R. (2012). "Something more": The meanings of marriage for religious couples in America. *Marriage & Family Review, 48*(4), 339-362.
- Dollahite, D. C., & Lambert, N. M. (2007). Forsaking all others: How religious زناشویی «برازش نظریه بوون». *مجله دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد, ۱۲* (۳)، ۶۸-۷۶.
- یوسفی، ن.، کریمی پور، ب.، امانی، ا. (۱۳۹۶). بررسی مدل باورهای مذهبی، سبک‌های حل تعارض و تعهد زناشویی با نگرش نسبت به خیانت زناشویی. *دوفصلنامه مشاوره کاربردی, ۷* (۱)، ۴۷-۶۴.
- Aghili, M., & Venkatesh Kumar, G. (2008). Relationship between religious attitude and happiness among professional employees. *Journal of the indian academy of applied psychology, 34*, 66-69.
- Allen, E. S., & Atkins, D. C. (2012). The association of divorce and extramarital sex in a representative US sample. *Journal of Family Issues, 33*(11), 1477-1493.
- Allen, E. S., Atkins, D. C., Baucom, D. H., Snyder, D. K., Gordon, K. C., & Glass, S. P. (2005). Intrapersonal, interpersonal, and contextual factors in engaging in and responding to extramarital involvement. *Clinical Psychology: Science and Practice, 12*(2), 101-130.
- Alterman, A. I., Cacciola, J. S., Ivey, M. A., Coviello, D. M., Lynch, K. G., Dugosh, K. L., & Habing, B. (2010). Relationship of mental health and illness in substance abuse patients. *Personality and individual differences, 49*(8), 880-884.
- Amato, P. R., & Previti, D. (2003). People's reasons for divorcing: Gender, social class, the life course, and adjustment. *Journal of family issues, 24*(5), 602-626.
- Amato, P. R., & Rogers, S. J. (1997). A longitudinal study of marital problems and subsequent divorce. *Journal of marriage and the Family, 59* (3) 612-624.
- Atkins, D. C., & Kessel, D. E. (2008). Religiousness and infidelity: Attendance, but not faith and prayer, predict marital fidelity. *Journal of Marriage and Family, 70*(2), 407-418.
- Atkins, D. C., Baucom, D. H., & Jacobson, N. S. (2001). Understanding infidelity: Correlates in a national random sample. *Journal of family psychology, 15*(4), 735.
- Beach, S. R., Jouriles, E. N., & O'leary, K. D. (1985). Extramarital sex: Impact on depression and commitment in couples seeking marital therapy. *Journal of Sex & Marital Therapy, 11*(2), 99-108.

- analytic review and conceptual analysis of links between religion, marriage, and parenting. *Journal of family psychology*, 15(4), 559-596.
- Myers, D. G. (2000). The funds, friends, and faith of happy people. *American psychologist*, 55(1), 56.
- Seligman, M. E., & Csikszentmihalyi, M. (2000). Positive psychology: An introduction. *American Psychological Association*, 55(1), p. 5.
- Shackelford, T. K., Besser, A., & Goetz, A. T. (2008). Personality, marital satisfaction, and probability of marital infidelity. *Individual Differences Research*, 6(1), 13-25.
- Shackelford, T. K., Buss, D. M., & Weekes-Shackelford, V. A. (2003). Wife killings committed in the context of a lovers triangle. *Basic and Applied Social Psychology*, 25(2), 137-143.
- Tay, L., Li, M., Myers, D., & Diener, E. (2014). Religiosity and subjective well-being: An international perspective. In *Religion and spirituality across cultures* (pp. 163-175). Springer, Dordrecht.
- Treas, J., & Giesen, D. (2000). Sexual infidelity among married and cohabiting Americans. *Journal of marriage and family*, 62(1), 48-60.
- Tuttle, J. D., & Davis, S. N. (2015). Religion, infidelity, and divorce: Reexamining the effect of religious behavior on divorce among long-married couples. *Journal of Divorce & Remarriage*, 56(6), 475-489.
- Uthaug, M. V. (2016). *The Relationship Between Narcissistic Traits and Attitude Towards Infidelity* (Doctoral dissertation, Empire State College).
- Van Hoorn, A. (2007). A short introduction to subjective well-being: Its measurement, correlates and policy uses. *Knowledge and policy* (Prepared for the international conference). University of Rome 'Tor Vergata', 2-3 April.
- Watson, D., Clark, L. A., & Carey, G. (1988). Positive and negative affectivity and their relation to anxiety and depressive disorders. *Journal of abnormal psychology*, 97(3), 346-353.
- Whatley, M. A. (2008). Attitudes toward infidelity scale. *J Soc Psychol*, 133, 547-51.
- Whisman, M. A., Dixon, A. E., & Johnson, B. (1997). Therapists' perspectives of couple involvement promotes marital fidelity in Christian, Jewish, and Muslim couples. *Review of Religious Research*, 43(3), 290-307.
- Gordon, K. C., Baucom, D. H., & Snyder, D. K. (2004). An integrative intervention for promoting recovery from extramarital affairs. *Journal of Marital and Family Therapy*, 30(2), 213-231.
- Gordon, K. C., Baucom, D. H., & Snyder, D. K. (2005). Treating couples recovering from infidelity: An integrative approach. *Journal of clinical psychology*, 61(11), 1393-1405.
- Gull, F., & Dawood, S. (2013). Religiosity and subjective well-being amongst institutionalized elderly in Pakistan. *Health promotion perspectives*, 3(1), 124-128.
- Hertlein, K. M., Ray, R., Wetchler, J. L., & Killmer, J. M. (2003). The role of differentiation in extradyadic relationships. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 2(4), 33-50.
- Huston, T. L., Caughlin, J. P., Houts, R. M., Smith, S. E., & George, L. J. (2001). The connubial crucible: Newlywed years as predictors of marital delight, distress, and divorce. *Journal of personality and social psychology*, 80(2), 237.
- Kim, Y., Seidlitz, L., Ro, Y., Evinger, J. S., & Duberstein, P. R. (2004). Spirituality and affect: A function of changes in religious affiliation. *Personality and Individual Differences*, 37(4), 861-870.
- Koenig, H. G. (2004). Spirituality, wellness, and quality of life. *Sexuality. Reproduction and Menopause*, 2(2), 76-82.
- Lambert, N. M., & Dollahite, D. C. (2006). How religiosity helps couples prevent, resolve, and overcome marital conflict. *Family Relations*, 55(4), 439-449.
- Lambert, N. M., & Dollahite, D. C. (2008). The threefold cord: Marital commitment in religious couples. *Journal of Family Issues*, 29(5), 592-614.
- Mahoney, A., Pargament, K. I., Jewell, T., Swank, A. B., Scott, E., Emery, E., & Rye, M. (1999). Marriage and the spiritual realm: The role of proximal and distal religious constructs in marital functioning. *Journal of family psychology*, 13(3), 321.
- Mahoney, A., Pargament, K. I., Tarakeshwar, N., & Swank, A. B. (2008). Religion in the home in the 1980s and 1990s: A meta-

- Yeniceri, Z., & Kökdemir, D. (2006). university student's perceptions of, and explanations for infidelity: the development of the infidelity questionnaire (INFQ). *Social Behavior & Personality: an international journal*, 34(6), 639-650.
- problems and treatment issues in couple therapy. *Journal of Family Psychology*, 11(3), 361-366.
- Yang, K. P., & Mao, X. Y. (2007). A study of nurses' spiritual intelligence: A cross-sectional questionnaire survey. *International journal of nursing studies*, 44(6), 999-1010.